

The Prophet and the Messenger in the Thought of Interpreters and Theologians: the Process of Evolution and Critique of Views

Tayyebeh Orangi *

Mahdi Mehrizi **

Seyed Mohammad Bagher Hojjati ***

Although the words Prophet and Messenger have been used widely in Holy Quran and Islamic culture, Muslim interpreters and theologians have agreed less on the exact meaning of these two words. Generally speaking their views can be categorized in two groups called contradiction and equality. Of course the contradiction view has been explained with multiple expositions in which the distinction of Prophet and Messenger has been expressed as: having the mission of conveying revelation to people, having an independent religion, having a holy book and seeing angels. Those who have recognized the Prophet and not the messenger as the person in charge of conveying revelation have known the meaning of messenger as one of these three: not having the mission of conveying revelation, informing (people) from God, having a high position and dignity. In this article the viewpoint of around 80 interpreters and theologians about these two words in three periods of time - early, recent and contemporary - has been reviewed and categorized according to the above model. By reviewing the above statistical community we can conclude that there has been different expositions from equality and inequality of the words prophecy and messaging in all Islamic periods, although the recent interpreters and theologians tend to the generality of the concept of prophecy compared with messaging. Also according to the author, because of the problems existing in different expositions of contradiction theory we can conclude that in the idiomatic meaning the words Prophet and Messenger used in the Holy Quran and Islamic texts are the same.

Keywords: the Holy Quran, Prophet, Messenger, interpreters, theologians.

* PhD student of Quran and Hadith Sciences in Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. orangi.ta1@gmail.com

** Associate Professor in Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible Author) toosi217@gmail.com

*** Professor in Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

hojjati@tpf-iau.ir

رسول و نبی در اندیشه مفسران و متکلمان؛ سیر تطور و نقد دیدگاه‌ها

طیبه اورنگی*

مهدی مهریزی**

سید محمدباقر حجتی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

دو مفهوم «رسول» و «نبی» گرچه به صورت گسترده‌ای در قرآن کریم و فرهنگ اسلامی مورد استفاده بوده اما مفسران و متکلمان مسلمان کمتر بر معنای دقیق این دو توافق داشته‌اند. به‌طور کلی می‌توان دیدگاه‌های ایشان را در این زمینه تحت دو عنوان تغایر و تساوی تقسیم‌بندی نمود. البته دیدگاه تغایر با تقریرهای چندگانه‌ای تبیین شده است که در هر یک از این تقریرات وجه تمایز رسول از نبی عبارت است از: داشتن مأموریت ابلاغ وحی به مردم، داشتن شریعت مستقل، داشتن کتاب، رؤیت فرشتگان. آنان که رسول را مأمور ابلاغ وحی دانسته‌اند و برای نبی چنین امری را قائل نیستند، معنای نبی را یکی از این سه دانسته‌اند: عدم داشتن رسالت ابلاغ وحی، خبر دادن از جانب خداوند و دارا بودن شأن و مقام بالا. در این مقاله دیدگاه‌های حدود ۸۰ مفسر و متکلم درباره این دو واژه، در سه دوره زمانی متقدمان، متأخران و معاصران مورد بررسی قرار گرفته و طبقه‌بندی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تقریرات مختلف از تساوی یا عدم تساوی دو مفهوم نبوت و رسالت در تمامی ادوار اندیشه اسلامی وجود داشته است، هرچند متأخران بیشتر به اعم بودن مفهوم نبوت نسبت به رسالت تمایل داشته‌اند. با این وجود طبق نظر نگارنده با توجه به اشکالاتی که در تقریرات مختلف نظریه تغایر وجود دارد، چنین نتیجه‌گیری شده که رسول و نبی در معنای اصطلاحی مورد استفاده در قرآن کریم و متون اسلامی به یک معنا هستند.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. orangi.ta1@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) toosi217@gmail.com

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hojati@tpf-iau.ir

طرح مسئله

در بررسی مسائل بنیانی اعتقادات، بعد از توحید، مبحث نبوت مطرح می‌گردد. مسئله ضرورت نبوت و مباحث پیرامون آن موضوع مشترک در عرصه اندیشه متکلمان و مفسران است که پیشینه‌ای به قدمت اندیشه‌های آغازین کلامی و تفسیری دارد. در اندیشه دینی پیرامون بعضی مفاهیم و اصطلاحات این مبحث دیدگاه‌های مختلفی مطرح گردیده است که منجر به اختلاف نظر در مسائل مهم عقیدتی بوده است. یکی از نمونه‌های این مسأله اختلاف دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان درباره دو واژه «رسول» و «نبی» است. پر بسامدی این دو واژه در قرآن کریم (به ترتیب ۳۳۱ و ۷۵ مرتبه) و پیچیدگی رابطه‌ی آن‌ها و ایجاد دیدگاه‌های متفاوت و متناقض مفسران و متکلمان و تشویش و ابهام در تفسیرهای این دو واژه و تحلیل‌های کلامی مرتبط این دو، سبب ضرورت انجام این تحقیق بوده است.

ضرورت از آنجایی بیشتر می‌شود که امروزه برخی از قرآنیون در فضای روشنفکری اهل سنت به‌عنوان یک جریان رایج با تأکید بر بحث‌های رسول و نبی و با استناد به تفاوت این واژگان به انکار حجیت و لزوم بقای سنت و حدیث پرداخته‌اند. صبحی منصور رهبر معنوی این فرقه؛ برای پیامبر(ص) دو جنبه شخصیتی قائل شده است و نبی را مرتبط به بشریت رسول و ظروف و عصر و روابط ایشان دانسته که تبعیت از ایشان لازم نیست (صبحی منصور، ۲۰۰۵م، صص ۲۹-۳۱) ولی رسول را شخصیت حقوقی وی می‌داند و در برخی آیات، رسول را کلام خداوند و قرآن معرفی کرده که اطاعت از وی واجب است و با اتکا به آن عدم حجیت سنت را اثبات کرده است (صبحی منصور، ۲۰۰۵م، ص ۳۳).

انیس محمد صالح در نظری هم‌سو با وی منظور از اطاعت رسول را اطاعت از رسالت آسمانی دانسته است. محمد شحرور با تفکیک سنت رسالت و سنت نبوت، اطاعت را در مقام رسالت دانسته و در سنت رسالت هم بر این باور است که باید بین دو نوع از طاعت فرق گذاشته شود: اطاعت متصل و اطاعت منفصل (شحرور، بی‌تا، ص ۵۵۱). در اطاعت منفصل که لفظ اطاعت هم برای خداوند و هم برای رسول آمده، این اطاعت را تنها در زمان حیات رسول واجب دانسته است (شحرور، بی‌تا، ص ۵۸۱). بدیهی است این چنین مطالعات درون‌متنی تفسیری و تطبیقی می‌تواند در نقد این دیدگاه‌های جدید مفید واقع گردد.

در این مقاله با ارائه یک دسته‌بندی جامع از دیدگاه‌های حدود ۸۰ اندیشمند مسلمان درباره این دو مفهوم، به تبیین و نقد آن‌ها پرداخته و نظر مختار ارائه شده است. دیدگاه مفسران در کتب تفسیری ایشان ذیل برخی آیات منعکس است که در این مقاله به‌عنوان آیات محوری انتخاب

گردیده است (ر.ک: بقره: ۶۱ و ۸۷؛ اعراف: ۱۵۷؛ مریم: ۵۱ و ۵۴؛ حج: ۵۲). دیدگاه متکلمین نیز برگرفته از آراء و نظرات ایشان ذیل مبحث نبوت است.

همچنین سیر تطور نظرات مختلف در سه دوره متقدمان، متأخران و معاصران ترسیم شده است. گفتنی است تعبیر متقدم، متأخر و معاصر استاندارد ندارد و در هر علمی یک بازه زمانی خاصی را در نظر می‌گیرند، مفسران تقسیم‌بندی‌های متعددی برای ادوار تفسیری ارائه نموده‌اند. به نظر می‌رسد کامل‌ترین تقسیم‌بندی از سوی آیت‌الله معرفت در کتاب «تفسیر و مفسران» صورت پذیرفته است، لذا بر اساس کلیتی برگرفته از این تقسیم‌بندی، بازه زمانی متقدمان را تا قرن هفتم، متأخران را تا قرن دوازدهم و معاصران را از قرن سیزدهم به بعد قرار داده‌ایم. در آخر نیز به جمع‌بندی بحث پرداخته و نیز برای وضوح بیشتر نمودار ارائه گردیده است.

۱. پیشینه تحقیق

درخصوص پیشینه این تحقیق باید گفت که مفسران ذیل آیات مربوطه و متکلمان ذیل مباحث نبوت دیدگاه‌های خود را درباره نبی و رسول بیان نموده‌اند. صبحی منصور در دوره‌ی معاصر در کتاب «القرآن و کفی مصدراً للتشريع الاسلامی» تفاوت‌هایی را میان این دو واژه بیان کرده و به نتایج متفاوت با نتایج سنتی رسیده است. جرج طرابیسی در بخشی از کتاب «من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث» به بحث درباره رسول و نبی پرداخته است.

مقاله‌ی «النبوة دراسة من القرآن الکریم» از عبدالحلیم محمود تفاوت‌هایی را میان این دو واژه بیان می‌کند. محمدرضا وصفی و سید روح‌الله شفیعی در مقاله‌ی «نبی و رسول در کتاب مقدس و قرآن» از نیز این دو مفهوم را در سه سنت یهودی، مسیحی و اسلامی بررسی نموده‌اند. مقالات دیگری نیز مرتبط با این موضوع نوشته شده که در بخشی از آن‌ها به تفاوت میان رسول و نبی پرداخته شده از جمله مقاله «انبياء و نبوت» از پوری روپین در دائرةالمعارف قرآن لیدن (Rubin, 2008)، «برخی از شبهات درون دینی خاتمیت» از محمد اسحاق عارفی، «بررسی نوع خطاب‌های خداوند به انبیاء(ع)» از هادی محسنی رکاوندی. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «مفهوم شناسی واژه «رسول» در قرآن» در مقطع کارشناسی ارشد توسط فرزانه عبدی با راهنمایی بی‌بی سادات رضی بهابادی نگارش یافته است.

تفاوت این پژوهش با کارهای پیشین یکی در بررسی هر دو واژه در کنار هم، و دیگری تبیین، تحلیل و نقد دیدگاه مفسران، متکلمان و رفع ابهام و تشویش در تفسیرهای این دو واژه و تحلیل‌های کلامی این دو و رسیدن به یک نتیجه روشن بین آن‌ها می‌باشد.

۲. دیدگاه‌ها درباره‌ی «رسول» و «نبی»

در بررسی دیدگاه‌های مفسران و متکلمان ابتدا به فضای گفتمانی دیدگاه‌ها در دوره‌های مختلف و سپس به بررسی دیدگاه‌های آنان پرداخته می‌شود.

۱-۲. فضای گفتمانی دیدگاه‌ها

مبنای تقسیم‌بندی این سه دوره مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله معرفت در کتاب تفسیر و مفسران است.

۱-۱-۲. متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

تفاسیر در دوره اول که با ویژگی‌های متعدد، از جمله اسباب نزول، لغت، اجتهاد صحابه و... آغاز گردید، بیان‌گر فضای گفتمانی این دوره و نیز نوع نگاه و گرایش مفسران به اندیشه‌ای خاص است.

بر اساس نظر قرآن پژوه معاصر نخستین مدرسه‌ای که اجتهاد و اعمال نظر برای استنباط معانی قرآن را آغاز کرد، مدرسه مکه بود که پایه‌های محکم آن را صحابی گرانقدر، شاگرد موفق امیر مؤمنان (ع)، عبدالله بن عباس بنا نهاد و تربیت‌یافتگان این مدرسه همان کسانی بودند که اجتهاد در تفسیر را پایه‌گذاری کردند (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۳۹۶). جلالیان نیز بعضی از صحابه مانند ابن عباس و ابن مسعود را در تفسیر دارای اجتهاد و روش ویژه خود دانسته و به همین جهت آنان را بانی و مؤسس مکاتب تفسیری برمی‌شمرد (جلالیان، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۴۶). بر این اساس می‌توان گفت اجتهاد آنان بی‌تأثیر در تفسیر نبوده است. همچنین از ویژگی‌های تفسیر صحابه همان‌گونه که گفته شده: سادگی و بی‌پیرایگی در حدی که برای حل مشکل یا برطرف ساختن ابهام، با عبارتی کوتاه و بیانی رسا، در غایت ایجاز ارائه می‌گردید؛ بدون اینکه به بیان اشتقاق واژه‌ها بپردازد یا نیازی به بیان شاهد یا دلیل و امثال آن، که عادت مفسران است داشته باشد (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۸۴).

تفسیر در دوره تابعان نیز با گستردگی، شکل یافتن و ثبت و تدوین تفسیر، اجتهاد و اعمال نظر و... ادامه یافت (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۱، صص ۳۹۴-۳۹۶). روش تفسیر به مأثور که مفسر، آیات را تنها با آراء و اقوال سلف تفسیر می‌نمود (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۱۵) در زمان تابعان رواج داشت. آنان به عصر نزول قرآن نزدیک بوده و از اسباب نزول و زمینه‌های فرود آمدن آیات آگاهی کامل داشتند. به علاوه اینکه به درک مفاهیم لغت و شیوه کلامی عرب نزدیک‌تر بودند.

قرآن به زبان عربی و بر اساس شیوه‌های گفتار عرب نازل گشته و در نتیجه پیشینیان آماده‌تر بودند تا از نزدیک ساختارهای زبان، معانی واژه‌ها و تعابیر کلامی عرب را لمس کنند (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۳۸۶).

حرکت و پیشرفت در تفسیر - اجتهادی - از عصر تابعان آغاز شد و قرن به قرن توسعه یافت؛ به‌ویژه در قرن‌های سوم و چهارم که نهضت علمی در جوامع اسلامی شکوفا گردید و ادب، فلسفه، عرفان، دانش‌های متنوع و دست‌آوردهای علمی به کمال خود رسید. تفسیر همگام با پیشرفت ادب و علوم و معارف، گسترش یافت و پیشرفت نمود و در تفاسیر، تمامی جوانب فهم معانی قرآن در همه زمینه‌ها، روزبه‌روز شکوفاتر گردید (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۴۴۶).

۲-۱-۲. متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

با رکود علم در جهان اسلام و افول تمدن اسلامی - به‌ویژه پس از فتنه مغول - تفسیر نیز از حرکت بازایستاد و بیشتر تفاسیر پس از این دوره، حالت تقلیدی به خود گرفت؛ لذا می‌بینیم که در این دوران نه‌چندان کوتاه، فضای نوشته‌های تفسیری را، خلاصه‌ها، خلاصه‌ی خلاصه‌ها و یا شرح و حاشیه‌ها تشکیل می‌دهد و تفاسیر این دوره یا اختصار و یا اقتباس از تفاسیر گذشتگان است و از هرگونه ابتکار و نوآوری قابل ذکری عاری است.

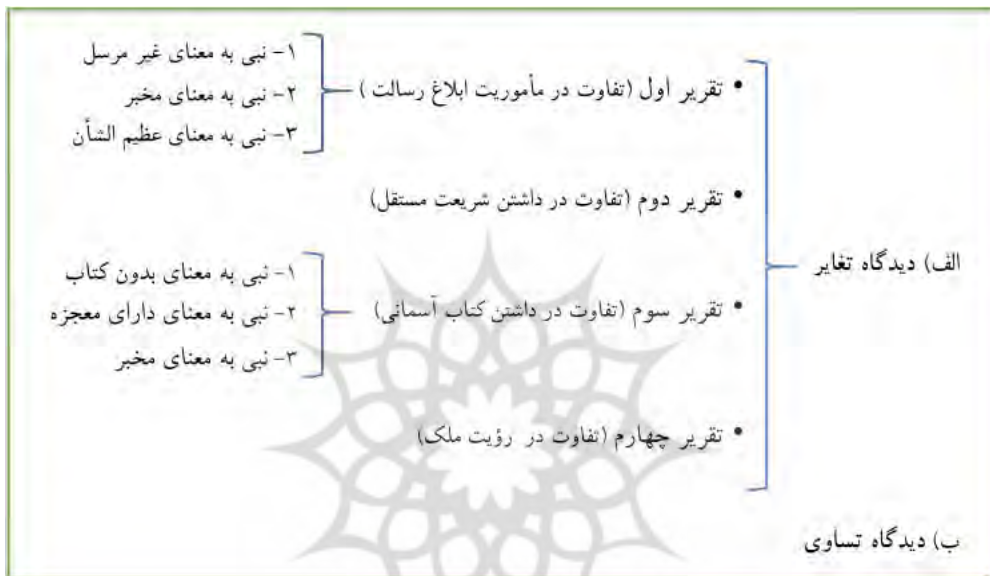
تفسیر «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» نوشته نظام‌الدین حسن بن محمد قمی نیشابوری که در سال ۷۳۰ هـ.ق پایان یافته است، چنانچه خود او در مقدمه و خاتمه تفسیرش یادآور شده، اقتباسی است از تفسیر فخر رازی و «کشاف» زمخسری. او همچنین برخی اضافات از قبیل مسائل عرفانی را در متون عرفانی یافته و حدیث را نیز از کتاب‌های معروف که خود نام می‌برد، برگرفته است (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، صص ۴۴۶-۴۴۷).

۳-۱-۲. معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

در این عصر با فزونی ابزارهای فهم و گسترش و پیچیده شدن نیازها، طبیعتاً رویکرد به قرآن و شریعت و دین، تحوکی شگرف یافته و شاید بیشتر یا بهتر بتوان از مفاهیم و حیانی بهره برد - البته متناسب با زمان؛ بنابراین نمی‌توان از این نظر بر گذشتگان خرده گرفت. امروزه به کمک دستاوردهای قاطع و روشن علمی می‌توان بسیاری از گره‌ها را گشود و از مواردی از مبهمات قرآن پرده برداشت که دیروز میسر نبود؛ زیرا ابزار لازم در اختیارشان نبود (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۴۴۹).

۲-۲. تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها

دیدگاه‌های مفسران و متکلمان را در نسبت بین دو واژه «رسول» و «نبی» می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: تغایر، تساوی. دیدگاه تغایر با تقریرهای مختلفی در بیان وجه تمایز و غیریت این دو مفهوم بیان شده است. برای سهولت فهم جامع این تقریرات در قالب زیر ارائه می‌شود:



۲-۲-۱. دیدگاه اول: تغایر

بسیاری از مفسران و متکلمان این دو واژه را متغایر دانسته و وجه اختلافشان را یکی از امور زیر برشمرده‌اند:

۲-۲-۱-۱. تقریر اول: تفاوت در مأموریت ابلاغ رسالت و عدم آن

طبق این تقریر، به شخص دارای رسالت که به‌سوی قومی فرستاده شده و مأمور به ابلاغ رسالت خویش است مرسل گویند. اما قائلین این نظر در معنای «نبی» دیدگاه‌های مختلفی ذکر نموده‌اند که عبارتند از:

۲-۲-۱-۱-۲. نبی به معنای غیر مرسل

طبق این دیدگاه، نبی کسی است که فقط به او وحی می‌شود اما به‌سوی قومی فرستاده نشده و مأمور به ابلاغ هم نیست. قائلین این دیدگاه عبارتند از:

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

ابن عباس (م ۶۸ق)، مجاهد (م ۱۰۴ق)، قرطب (م ۲۰۶ق)، و فراء (م ۲۰۷ق) گفته‌اند: «رسول» کسی است که مرسل است و «نبی» محدثی است که مرسل نیست (ابن عباس، ۱۴۱۲، ص ۲۵۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۴۱۱؛ ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۳۵؛ فراء، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص ۲۲۹). دینوری (م ۳۰۸ق) گرچه در ذیل آیه ۵۲ سوره حج همین نظر را دارد (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۳) اما او و ابن عباس در توضیح آیه ۵۱ سوره مریم، «نبی» را کسی که از خداوند خبر می‌دهد، معنا می‌کنند (ابن عباس، ۱۴۱۲، ص ۲۲۴؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۰) که این مطلب با مرسل نبودن نبی مطابقت ندارد.

طبری (م ۳۱۰ق) ذیل آیه ۵۲۱ سوره حج به صراحت نبی را محدثی می‌داند که مرسل نیست. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۲۳) اما در سوره بقره آیه ۸۷ مقصود از رسل را انبیاء می‌داند، که برای اقامه تورات و فراخواندن به آن فرستاده شدند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۹). در آیه ۶۱ سوره بقره نیز نبیین را رسولان معنا می‌کند برای إخبار به قومی که به سوی آن‌ها فرستاده شدند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۱). از تعبیر این دو آیه در سوره بقره به دست می‌آید هر دو مرسل هستند که با دیگر گفته‌های ایشان تفاوت دارد، بنابراین نمی‌توان قول مشخصی را به او نسبت داد.

ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ق) نیز بر همین دیدگاه تصریح دارد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۴۱۱). ابن عطیه (م ۵۴۲ق) نیز نبی را دریافت کننده خبر و رسول را نبی‌ای که مأمور رساندن خبر است می‌داند (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۲). ماتریدی (م ۳۳۳ق) در وجه تمایز این دو واژه گفته است:

«رسول کسی است که برای تبلیغ رسالت مبعوث شده و در هر حالی به آن امر شده است و نبی هنگامی که از وی سؤال و درخواست شود به آن‌ها خبر می‌دهد» (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۵۴).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

مهائمی (م ۸۳۵ق) معتقد است که رسول برای به کمال رساندن مردم به سوی آن‌ها فرستاده شده است زیرا که او نبی می‌باشد یعنی کسی که از کامل‌ترین اعتقادات و اعمال و اخلاق و احوال از جانب وحی باخبر شده است (مهائمی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

ابن ابی شریف (م ۹۰۶ق) نیز تمایز رسول و نبی را به دعوت و عدم دعوت مردم می‌داند (ابن ابی شریف، ۱۴۲۵ق، ص ۱۹۱). سیوطی (م ۹۱۱ق) نیز تصریح دارد بر اینکه نبی کسی است

که شریعتی به او وحی شده اگرچه به تبلیغ مأمور نشده است و اگر به تبلیغ مأمور شده باشد رسول نیز هست (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ص ۴).

لاهیجی (م ۱۰۷۲ق) گاهی نبی را انسان مبعوث از جانب خداوند به جهت تبلیغ اوامر و نواهی الهی به بندگان و رساننده پیغام الهی معرفی کرده (لاهیجی، ۱۳۷۲ش، ص ۸۶)، و گاهی امکان مبعوث نبودن نبی را مطرح نموده است (لاهیجی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۱۹).

فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق) «نبی» را شخصی معرفی می‌کند که عمل به او وحی می‌شود و «رسول» را کسی می‌داند که عمل و تبلیغ به او وحی می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸۸).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

رشیدرضا (م ۱۳۵۴ق)، مراغی (م ۱۳۷۱ق) و سیدقطب (م ۱۳۸۷ق) نبی را دریافت کننده وحی از جانب خداوند دانسته و رسول را مبلغ شرع معرفی کرده‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۵؛ مراغی، بی تا، ج ۹، ص ۷۷؛ سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۱۳).

اما ابن عاشور (م ۱۳۹۳ق) ذیل آیات ۵۱ سوره مریم و ۵۲ سوره حج و ۸۷ سوره بقره نظرات متفاوتی درباره این دو واژه مطرح نموده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۷۵؛ ج ۱۷، ص ۲۱۵).

مغنیه (م ۱۴۰۰ق) در سوره حج ذیل آیه ۵۲ نبی را مأمور به تبلیغ ندانسته (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۴۰) اما در سوره مریم ذیل آیه ۵۱ نظری متفاوت ارائه داده و هر دو را دارای رسالت دانسته است و به صراحت عدم تبلیغ نبی را نمی‌پذیرد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۸۷). طیب (م ۱۴۱۲ق) در تفسیر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف مقام نبوت را دون مقام رسالت دانسته است و می‌نویسد:

«هر رسولی نبی است ولی هر نبیی لازم نیست رسول باشد که مأمور به تبلیغ نباشد» (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۵، ص ۴۷۷).

هاشمی رفسنجانی (م ۱۴۳۸ق) در تفسیر آیه ۵۱ سوره مریم می‌نویسد:

«ممکن است کسی نبی باشد اما به سوی شخص یا قومی فرستاده نشده و

حامل رسالت الهی نباشد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ص ۵۱۰).

مکارم شیرازی نبی را تنها در صورتی موظف به ابلاغ وحی الهی می‌داند که دیگران از او بخواهند. اما رسول را موظف به تبلیغ و ادای مأموریت الهی دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۴۴۰).

سبحانی نیز نبوت را منصبی معنوی از طرف خدای متعال دانسته که به نبی اعطا گردیده و او را با یکی از طرق معروف به عالم غیب متصل گردانده و او حامل خبرهای الهی شده است، اما رسالت را منصب سفارت از جانب خداوند سبحان برای ابلاغ و اجرای عمل در خارج، دانسته است (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۹۰). گرچه ایشان در کتاب «مفاهیم القرآن» علاوه بر دریافت وحی، اخبار آن به مردم هم اضافه کرده است (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۳۷۵).

گرایش مفسران و متکلمان به اندیشه‌ای خاص دلایل متعدد می‌تواند داشته باشد. بر اساس فضای گفتمانی عصر صحابه می‌توان گفت اجتهاد آنان در گرایش به این تقریر بی‌تأثیر نبوده است، زیرا معرفی نبی با آیات قرآن مطابقت ندارد. همچنین به نظر می‌رسد برخی از ویژگی‌های تفسیر صحابه مانند سادگی و بی‌پیرایگی سبب موجز بودن سخن آنان بوده است. بنابراین با دقت در تفسیر این واژگان می‌توان دریافت که بر اساس اجتهاد به معانی اجمالی اکتفا کرده‌اند. همچنین با دقت در تفاسیر تابعین می‌توان دریافت که به معانی اجمالی اکتفا کرده‌اند.

اما در زمان‌های بعد به نظر می‌رسد اهمیت و تأثیر نظر مفسران صدر اسلام، دلیل گرایش دیگران به این تقریر باشد. این نکته نیز حائز اهمیت است که برخی از آنان در دوره‌های بعد علاوه بر این گرایش، تقریرهای دیگری ارائه نموده‌اند که با این تقریر کاملاً متفاوت بوده و دلیل آن نیز مشخص نیست، مانند تقریرهای متفاوت مغنیه.

۲-۱-۱-۲-۲. نبی به معنای مخبر

در تقریر اول، تعریف دومی که از نبی ارائه شده عبارتست از کسی که از جانب خداوند به مردم خبر می‌دهد. افرادی که این دیدگاه را ابراز نموده‌اند عبارتند از:

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

کلبی (م ۱۴۶ق) و دینوری (م ۳۰۸ق) ذیل آیه ۵۴ سوره مریم، طبری (م ۳۱۰ق) ذیل آیه ۶۱ سوره بقره و سمرقندی (م ۳۹۵ق) نیز ذیل آیه ۵۴ سوره مریم «نبی» را خبر دهنده از خداوند معنا نموده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۳۷؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷۷). همچنین از تعابیر ابونعیم (م ۴۰۳ق) و طوسی (م ۴۶۰ق) درباره نبی، مُخْبِرٌ عَنِ اللَّهِ است (ابونعیم، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۱). زمخشری (م ۵۳۸ق) و طبرسی (م ۵۴۸ق) نیز همان نظر کلبی را دارند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۹۹). قاضی عیاض (م ۵۴۴ق) نبی را دارای سه معنای

«منبأ»، «مخبر» و «منبأ» دانسته و هر رسولی را نبی می‌داند و نه بالعکس (قاضی عیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۷).

ابن عربی (م ۶۲۸ق) رسول را مبین احکام و حلال و حرام، و نبی را خبر دهنده از معانی غیبی مانند احوال معاد و بعث و نشور و معارف الهیه می‌داند (ابن عربی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰). بیضاوی رسول را اخص و اعلی دانسته و دلیل مقدم داشتن رسول را در این می‌داند که خداوند او را به سوی خلق فرستاد و او به آن‌ها از جانب خدا خبر داد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۳).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

نسفی (م ۷۱۰ق) همان نظر کلبی را درباره حضرت اسماعیل در معنای رسول و نبی دارد (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۲). علامه حلی (م ۷۲۶ق) نبی را انسانی که از سوی خداوند متعال بدون وساطت بشر خبر و آگاهی می‌دهد تعریف نموده است (علامه حلی، ۱۳۶۵ش، ص ۸). البته ایشان در موضعی دیگر نبی را دارای رسالت دانسته است (علامه حلی، ۱۹۸۲م، ص ۱۳۹).

خازن (م ۷۴۱ق) این دو واژه را دو وصف مختلف دانسته و ذیل آیه ۵۴ سوره مبارکه مریم نظر کلبی و نسفی را بیان می‌کند (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۹۰). فاضل مقداد (م ۸۷۶ق) نیز همان تعریف علامه حلی را از نبی ارائه می‌دهد (فاضل مقداد، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱).

کاشفی (م ۹۱۰ق) نیز همان تعبیر گذشتگان را دارد (کاشفی، بی تا، ص ۶۷۱). شربینی (م ۹۷۷ق) در شرح آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم «رسول» را فرستاده خداوند به سوی قوم بنی اسرائیل و قبطیان و «نبی» را «شخصی که خداوند منظور و مقصود از وحی خود را به او خبر می‌داد تا آن را به قومی که برای آن‌ها فرستاده شده، خبر بدهد» (شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۷۶) معرفی می‌کند.

ابوالسعود (م ۹۸۲ق)، کاشانی (م ۹۸۸ق)، قمی مشهدی (م ۱۱۲۵ق)، عاملی (م ۱۱۳۵ق) نیز ذیل آیه ۵۱ سوره مریم همان تعبیر بیضاوی را دارند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۵، ص ۲۶۹؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۵، ص ۴۱۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۸، ص ۲۳۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۳).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

شبر (م ۱۲۴۲ق) تعبیری مانند بیضاوی در دوره قبل دارد (شبر، ۱۴۱۰ق، ص ۳۰۳؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۳). سلطان علی شاه (م ۱۳۲۷ق) چند تعبیر از نبی دارد که یکی از آنها خبردار و خبردهنده از جانب خداست (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۵).

مراغی (م ۱۳۷۱ق) و شاه عبدالعظیمی (م ۱۳۸۴ق) در سوره مبارکه مریم آیه ۵۱ از نبی مانند گذشتگان یاد کرده‌اند (مراغی، بی تا، ج ۱۶، ص ۶۱؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ق، ج ۸، ص ۱۹۴). طباطبایی (م ۱۴۰۲ق) در توضیح مخبر بودن نبی، وی را کسی می‌داند که برای مردم آنچه مایه صلاح معاش و معادشان است یعنی اصول و فروع دین را بیان می‌کند، آنچه نظر علامه را از دیگران متمایز می‌کند وجه افتراقی است که ایشان قائل شده است و مخالفت با رسالت رسول را مشتمل بر اتمام حجت می‌داند که مخالفت با آن عذاب و هلاکت به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۴۰). بانو امین (م ۱۴۰۲ق) نبی را کسی می‌داند که (منبىء فى نفسه) باشد از خدا خبر بدهد (امین، بی تا، ج ۸، ص ۱۲۵).

به نظر می‌رسد در دوره اول توجه به معنای لغوی از سوی قرآن‌پژوهان و پدید آمدن کتاب‌های لغت به‌عنوان یکی از منابع تفسیر، مبنای آنان بر اساس لغت محوری بوده است. همچنین از جمله منابعی که در گرایش به این تعبیر مؤثر بوده، شعر عرب است. همان‌گونه که یکی از اندیشمندان معاصر آن را از ویژگی‌های تفسیر تابعان برشمرده و می‌نویسد:

«لغت اصیل عربی فصیح؛ به‌ویژه اشعار عرب که دیوان (واژه‌نامه) و دائرةالمعارف آداب و رسوم عرب محسوب می‌شود؛ و برای آگاهی از مزایای زبان عرب و شیوه‌های گفتاری آن، مراجعه به آن ضروری است. قرآن هم بر اساس همان شیوه‌ها نازل گردیده و در قالب همان تعابیر متعارف ریخته شده بود؛ با این تفاوت که قرآن با اسلوبی برتر و بافتی محکم‌تر شکل گرفته بود» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۰۹).

به‌عنوان نمونه طبری اصل نبی را مهموز به معنای کسی که از خداوند خبر می‌دهد، دانسته و استدلال کسانی که نبی را به معنی منبىء و مخبر گرفته‌اند و به این شعر استناد کرده‌اند بیان می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۱):

یا خاتم النبء إنك مرسل بالحق كلّ هدى إله هداكا

دلیل دیگر گرایش به این تعبیر استناد به آیات قرآن است. ماوردی قول کسانی را که با استناد به آیه ۳۶ سوره نجم: «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى» این معنا را پذیرفته‌اند، آورده است (ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۰). در دوره دوم برخی افزون بر این معنا، تعابیر دیگری نیز دارند، اما نظرات تکراری و در بعضی موارد بدون هیچ‌گونه تغییر، این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که نویسندگان همان نظر را بدون هیچ‌گونه بازنگری تکرار کرده است. بنا به گفته معرفت؛ تفاسیر این دوره یا اختصار و یا اقتباس از تفاسیر گذشتگان است و از هرگونه ابتکار و نوآوری قابل ذکری عاری است (معرفت، ۱۳۷۹ش، ص ۴۴۶).

در دوره سوم به دلیل تحول در رویکرد به قرآن، پدید آمدن سؤال‌های جدید و توجه به تحولات معاصر، افزون بر معنای لغوی، گرایش‌های دیگر نیز در نظرات آنان دیده می‌شود.

۲-۱-۱-۳. نبی به معنای عظیم الشان

معنای سوم نبی در تقریر اول، عبارتست از کسی که نزد خداوند مقام و منزلت عالی دارد. صاحبان این دیدگاه عبارتند از:

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

طبرانی (م ۳۶۰ق) نبی را به معنی رفیع گرفته است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۲۱۴). طوسی (م ۴۶۰ق) و طبرسی (م ۵۴۸ق) رسول را فرستاده خدا و نبی را دارای شأن عظیم معنا نموده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۸۰۰).

ابوالفتوح رازی (م ۵۵۶ق) ذیل آیات ۵۱ و ۵۴ سوره مبارکه مریم برای رسول و بلندقدر بودن و بزرگ مرتبه بودن را برای نبی برگزیده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۹۳). فخر رازی (م ۶۰۶ق) ذیل آیه ۱۵۷ سوره اعراف رسولاً را صفت اول دانسته و بیان می‌کند این لفظ حسب معنای رایج به کسی اختصاص دارد که خداوند او را برای رساندن تکالیف به سوی خلق فرستاد. «نبیاً» صفت دوم است و دلالت دارد بر این که او نزد خدای تعالی عظیم الشان است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۸۰).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

شربینی (م ۹۷۷ق) نبی را رفیع‌الدرجه نزد خداوند می‌داند (شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۶۰۰).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

آلوسی (م ۱۲۷۰ق) نبی را رفیع‌الدرجه نزد خداوند می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۲۱). سلطان علی شاه (م ۱۳۲۷ق) مقصود از نبی را رفعت، بلندی یا نبوت دانسته که تأکید برای رسول است، و رسول را متضمن نبوت و مستلزم رفعت دانسته است (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۷).

حائری طهرانی (م ۱۳۴۰ق) نبی را رفیع‌القدر نزد خداوند می‌داند و ابلاغ احکام را وظیفه رسول می‌داند (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۵، ص ۳۱)، اما ذیل آیه ۵۴ سوره مبارکه مریم نبی را کسی می‌داند که وظیفه دارد آنچه از اطاعت پروردگارش به او امر شده به امت خویش برساند (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۷، ص ۳۹). رفیع‌القدر، عالی‌المنزله و عالی‌مقام تعبیر دیگر خسروانی (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۴۱۷)؛ طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۴۵) و مکارم

شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۳، ص ۹۲) است. یکی از علت‌های گرایش به این تعبیر شعر عرب است. ابوالفتوح رازی ذیل آیه ۶۱ سوره بقره در یکی از سه وجهی که برای نبی ذکر می‌کند، نبی را از نباوه به معنی رفیع دانسته و به قول شاعر استناد می‌کند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۲):

انّ جنبي عن الفراش لنابي
کتجانی الأسرّ فوق الطّراب

و ذیل آیه ۵۱ و ۵۴ سوره مریم نیز همین تعبیر را پذیرفته است (ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، صص ۹۳-۹۴). هر چند علت‌های دیگر گرایش به این معنا واضح نیست، به نظر می‌رسد به دلیل این که غیرمرسل بودن نبی با معنای لغوی مخبر و مسئولیت داشتن نبی منافات دارد برخی عظیم الشان بودن را برای نبی پذیرفته‌اند تا نبی را کسی معرفی کنند که رفیع‌القدر است و وظیفه‌ای برای ابلاغ پیام الهی ندارد. اما برخی مانند طبرسی با جمع بین انواع تقریرها، گاهی با توجه به معنای لغوی، دو تعبیر (مخبر و عظیم‌الشان) از آن‌ها ارائه می‌دهد و گاهی کاربرد عملی هر دو را یکی دانسته که بیانگر مأموریت داشتن نبی نیز است. برخی دیگر نیز در آیات مختلف معانی متعدد بر شمرده‌اند که گاهی با یکدیگر قابل جمع‌اند. بر این اساس علت گرایش‌ها می‌تواند دلایل متعدد داشته باشد.

۲-۱-۲-۲. تقریر دوم: تفاوت در داشتن شریعت مستقل

برخی از مفسران و متکلمان وجه تمایز میان نبی و رسول را داشتن شریعت دانسته‌اند. رسول کسی است که دارای شریعت مستقل باشد و نبی پیامبری است که صاحب شریعت مستقل نباشد، بلکه حافظ یا تابع یا بیان‌کننده و شرح دهنده شریعت قبلی است.

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

در میان متقدمان، جاحظ (م ۲۵۵ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، ابن عربی (م ۶۲۸ق) و بیضاوی (م ۶۸۵ق)، این دیدگاه را داشته‌اند (جاحظ، ۲۰۰۲م، ص ۲۰۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۷۵).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا قرن دوازدهم)

در میان متأخران افرادی چون قیصری (م ۷۵۱ق)، مهائمی (م ۸۳۵ق)، کاشفی (م ۹۱۰ق)، ابوالسعود (م ۹۸۲ق)، کاشانی (م ۹۸۸ق)، لاهیجی (م ۱۰۷۲ق) همین دیدگاه را اتخاذ نموده‌اند

(قیصری، ۱۳۸۱ش، ص ۲۲؛ مهائمی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹؛ کاشفی، بی تا، ص ۷۴۰؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۱۱۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۶، ص ۱۶۷؛ لاهیجی، ۱۳۷۲ش، ص ۸۶).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

در میان معاصران نیز افرادی چون: آلوسی (م ۱۲۷۰ق)، سلطان علی شاه (م ۱۳۲۷ق)، طنطاوی (م ۱۳۵۸ق)، مراغی (م ۱۳۷۱ق) و ابن عاشور (م ۱۳۹۴ق) را می توان به عنوان صاحبان همین نظر برشمرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۶۵؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۵؛ طنطاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۱، ص ۵۴؛ مراغی، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۲۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۵).
گاهی عدم تسلط بر کل آیات مربوط به موضوع و عدم استقصاء کامل آیات مربوط به آن موضوع سبب گرایش به اندیشه ای خاص می شود به عنوان نمونه بیضاوی رسول را کسی که دارای شریعت است معرفی کرده، اما در تفسیر آیه ۵۴ سوره مبارکه مریم بیان می کند که رسول لازم نیست دارای شریعت باشد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۳). گاهی نیز اقتباس از تفسیر گذشتگان سبب این گرایش شده است مانند: ابوالسعود که نظرات بیضاوی را تکرار کرده است (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۱۱۳؛ ج ۵، ص ۲۷۰).

۲-۱-۳. تقریر سوم: تفاوت در داشتن کتاب آسمانی

برخی از اندیشمندان دو مفهوم رسالت و نبوت را در داشتن کتاب آسمانی و عدم آن دانسته اند. بنابراین آنان رسول را کسی می دانند که دارای کتاب آسمانی از جانب خداست. ایشان در این تقریر تعاریف مختلفی برای نبی بیان نموده اند که عبارتست از:

۲-۱-۳-۱. نبی به معنای بدون کتاب

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

زمخشری (م ۵۳۸ق) ذیل آیه ۵۲ سوره مبارکه حج تصریح دارد که نبی کسی است که کتابی بر او نازل نشده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۶۴) اما ذیل آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم در تعریف نبی می گوید ممکن است کتاب هم داشته باشد:

«نبی از خدای عزوجل خبر می دهد اگرچه دارای کتاب نباشد مانند یوشع»

(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲).

تعبیر طبرسی (م ۵۴۸ق) ذیل آیه ۵۱ سوره مریم مانند زمخشری است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۹۹). آنچه از تفسیرهای ایشان در سوره های مختلف درباره رسول و نبی گفته شده به دست

می‌آید که گاهی تغایر بین رسول و نبی را پذیرفته است مانند تفسیر آیه ۵۱ سوره مریم در تفسیر *جوامع الجامع*؛ گاهی با توجه به معنای لغوی دو تعبیر از آن‌ها ارائه می‌دهد و نبی را شخص عظیم‌الشأن و عالی‌قدر معنا می‌کند مانند: *مجمع البیان* ذیل همین آیه؛ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۸۰۰) گاهی رسل را انبیاء دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۷۰) و در دیگر آیات موردبررسی تصریح دارد بر اینکه کاربرد عملی هر دو واژه یکی است و هر دو یکی هستند با اینکه از نظر لغوی فرق دارند.

(ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

نسفی (م ۷۱۰ق) و نظام اعرج (م ۷۲۸ق) با حدود دو قرن فاصله با زمخشری، در تفسیر آیه ۵۲ سوره مبارکه حج همان نظر را بیان می‌کنند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۰؛ نظام اعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۹۰). تفتازانی (م ۷۹۳ق) رسول را دارای شریعت و کتاب دانسته است و برای رفع مشکل بیشتر بودن تعداد رسل بر تعداد کتب، قول کسانی را که نسخ بعضی احکام شریعت سابق را توسط برخی رسولان پذیرفته‌اند، تا تعداد رسل و کتب مساوی شود، بیان می‌دارد. همچنین از تعبیر ایشان برداشت می‌شود که شریعت و کتاب را یکی گرفته، اما وظیفه رسول و نبی را تبلیغ وحی الهی می‌داند (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵).
تعبیر دیگر کاشانی (م ۹۸۸ق) این است که رسول صاحب کتاب است و نبی اعم از آنکه با او کتابی باشد یا نه (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۶، ص ۱۶۷). فیاض لاهیجی (م ۱۰۷۲ق) در این زمینه می‌نویسد:

«رسول گاهی به معنی نبی اطلاق می‌شود و گاه تخصیص می‌یابد به پیغمبری که با او کتاب و شریعت علی‌حده‌ای باشد» (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲ش، ص ۸۶).

(ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

تعبیر دیگر آلوسی (م ۱۲۷۰ق) از رسول کسی است که با کتاب مبعوث شده و از نبی کسی است که بدون کتاب مبعوث شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۶۴). طنطاوی (م ۱۳۵۸ق) ذیل آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم رسول را دارای رسالت (صاحب کتاب) دانسته و نبی را بدون کتاب و رسالت معرفی می‌کند و در موضعی دیگر (مریم: ۵۴) رسالت را به معنای نبوت گرفته است تا با تفسیر مورد نظر خویش مطابقت داشته باشد (طنطاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۰، ص ۴۸).

مراغی (م ۱۳۷۱ق) در تفسیر آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم نبی را بدون کتاب معرفی می‌کند و رسول را دارای کتاب می‌داند که در آن شریعتش می‌باشد که خداوند با آن شریعت او را فرستاد (مراغی، بی تا، ج ۱۶، ص ۶۱) اما در تفسیر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف و آیه ۵۴ سوره مبارکه مریم کتاب را برای رسول شرط نمی‌داند (مراغی، ج ۹، ص ۷۷؛ ج ۱۶، ص ۶۲).

طنطاوی (م ۱۴۳۱ق) نیز در تفسیر آیه ۵۲ سوره حج نظری مانند آلوسی دارد (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۳۲۶) ایشان نیز تعابیر مختلفی از این دو واژه دارد که در تقریر دوم بیان آن گذشت.

در تفاسیر مورد بررسی تفسیر کشاف اولین تفسیری است که تفاوت را در داشتن و نداشتن کتاب دانسته است اما با دقت در آیات مورد بررسی و نیز معنای لغوی و نظر مفسران قبل دلیلی برای گرایش به این اندیشه یافت نمی‌شود. گاهی نیز اندیشمندان گرایش‌های متعدد و متفاوتی دارند که برخی با یکدیگر قابل جمع‌اند و برخی یکدیگر را نقض می‌کنند. به نظر می‌رسد گاهی اوقات دلیل بیان یک نظر، فراموشی نویسنده یا عدول از نظر قبل یا عدم تسلط بر آیات مربوط به موضوع می‌باشد. به عنوان نمونه تعبیر مراغی در معرفی رسول در سوره مریم و سوره اعراف مطابقت ندارد. این نکته نیز حائز اهمیت است که مشخص کردن دلیل اصلی به وجود آمدن این گونه تعابیر امری دشوار است.

۲-۲-۱-۳-۲. نبی به معنای دارای معجزه

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

زمخشری (م ۵۳۸ق) در توضیح آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف رسول را کسی می‌داند که به او کتابی وحی می‌شود که به او اختصاص دارد و آن قرآن است و نبی را صاحب معجزات دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا قرن سیزدهم)

نسفی (م ۷۱۰ق) نیز همان نظرات زمخشری را [دوره‌ی قبل] در توضیح آیات مورد بررسی آورده است (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۱۷). ابوالسعود (م ۹۸۲ق) نیز همان نظر را در سوره مبارکه اعراف بیان می‌کند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۳، ص ۲۷۹) و در سوره‌های مریم و حج در هر سه آیه مورد بررسی بدون هیچ گونه تغییری مطالب بیضاوی را تکرار می‌کند.

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

در این دوره از منابع استفاده شده نظری یافت نشد. دلیل قابل ارائه‌ای نیز برای این گرایش در دوره اول یافت نشد، اما در دوره دوم در برخی تفاسیر نظرات تکراری و در بعضی موارد بدون هیچ‌گونه تغییر، این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که نویسنده همان نظر را بدون هیچ‌گونه بازنگری تکرار کرده است. به‌عنوان نمونه تفسیر نسفی ذیل آیات مورد بررسی تکرار تفسیر کشاف است.

۲-۲-۱-۳. نبی به معنای مخبر

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

زمخشری (م ۵۳۸ق) در توضیح آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم اشاره می‌کند که رسول از انبیایی است که دارای کتاب است و نبی از خدای عزوجل خبر می‌دهد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

نسفی (م ۷۱۰ق) نیز با حدود دو قرن فاصله همان نظر زمخشری را دارد (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۱).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

خسروانی (م ۱۳۸۶ق) در تفسیر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف همان نظر گذشتگان را دارد (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۳۴) برداشت‌های دیگر ایشان درباره این دو واژه در دیدگاه دوم خواهد آمد. گاهی یک نویسنده تقریرهای متفاوتی دارد، اما دلیل گرایش به آن‌ها معلوم نیست.

۲-۲-۱-۴. تقریر چهارم: تفاوت در رؤیت ملک

طبق این تقریر رسول کسی است که فرشتگان را در بیداری می‌بیند اما نبی فقط در خواب آن‌ها را می‌بیند.

الف) متقدمان: (ابتدا تا قرن هفتم)

قرطبی از قول فراء (م ۲۰۷ق) آورده است:

«رسول کسی است که با ارسال جبرئیل علیه‌السلام به صورت آشکار بر او به‌سوی خلق فرستاده شده و نبی نبوت او از طریق الهام یا خواب می‌باشد، پس هر رسولی نبی است ولی هر نبی رسول نیست» (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۲، ص ۸۰).

طبرانی (م ۳۶۰ق) نیز تعبیری مانند فراء دارد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۳۵۱). ثعلبی (م ۴۲۷ق) و بغوی (م ۵۱۰ق) نیز گفته‌اند که رسول کسی است که وحی را عیاناً و شفاهماً می‌پذیرد و نبی کسی است که نبوت او از طریق خواب یا الهام باشد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۳۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۴۷).

فخر رازی (م ۶۰۶ق) هر دو را مرسل‌هایی دانسته که نحوه‌ی خبرگیری آن‌ها برای رسول شدن تفاوت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۳۶). ابن عربی (م ۶۳۸ق) در مبحث وحی و الهام گوید رسول و نبی فرشته را در آن هنگام که وحی را به او می‌رساند، مشاهده می‌کنند و با چشم او را می‌بینند و غیر رسول اثر فرشته را حس می‌کند ولی با چشم او را نمی‌بیند (ابن عربی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

طبری (م ۷۰۱ق) نیز هر زمان جبرئیل در بیداری نزد دریافت‌کننده وحی آید او را رسول نامیده و هر زمان در خواب نزد وی آید او را نبی نامیده است (طبری، ۱۳۷۶ش، ص ۵۹). تعبیر دیگر خازن (م ۷۴۱ق) همان تفسیر گذشتگان در فرق بین این دو واژه است (خازن، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۲۶۱). ملاصدرا (م ۱۰۵۰ق) انبیاء و رسولان الهی را با تفاوت درجات بی‌شمار و طبقات فراوانی که در منازل قرب به سوی پروردگار دارند، بر چهار طبقه و درجه می‌داند:

«طبقه اول، درجه پیغمبری است که پیغمبر خودش است و به غیر خود مرسل نیست. درجه دوم، درجه پیغمبری است که با الهام و نشانه‌ها، سببی (فرشته) که علوم را به او القاء می‌کند و صدایش را می‌شنوند، می‌بیند ولی در خواب نه در بیداری، و به سوی کسی هم مبعوث نشده است. درجه‌ی سوم، درجه‌ی پیغمبری است که تمامی این مراتب را داراست؛ یعنی الهام حقایق و دیدن سببی که در خواب بر او القا می‌کند و او صدایش را می‌شنود و دیدن فرشته در بیداری و آنکه فرستاده شده به گروهی اندک یا بسیار باشد. درجه‌ی چهارم، درجه‌ی پیغمبری است که با تمامی مراتب پیشین، مرتبه‌ی امامت خلق را نیز دارد و صاحب شریعت و دینی مستقل غیر دین پیغمبر دیگر است» (ملاصدرا، ۱۳۸۳ش، ج ۲، صص ۴۲۳ الی ۴۲۵).

فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)، بحرانی (م ۱۱۰۷ق)، حویزی (م ۱۱۱۲ق)، و کاشانی (م ۱۱۱۵ق) ذیل برخی آیات مورد بررسی در معنی رسول و نبی این حدیث را از صادقین (ع) آورده‌اند که رسول کسی است که ملک با او آشکارا سخن می‌گوید و نبی کسی است که در خواب [فرشته را] ببیند

و چه بسا نبوت و رسالت برای یک شخص حاصل گردد (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۰۲؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۱۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

شبر (م ۱۲۴۲ق)، سلطان علی شاه (م ۱۳۲۷ق)، حائری طهرانی (م ۱۳۴۰ق)، صاحب تفسیر اثنی عشری (م ۱۳۸۴ق)، بروجردی (قرن ۱۴)، طباطبایی (م ۱۴۰۲ق) و قرشی نیز تفاوتی را که در روایات آمده (رویت ملک و عدم رویت ملک) بیان کرده‌اند (شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۱؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۵؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۷، ص ۲۴۳؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۲۱۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۴۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۷؛ قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۳۴۱). روایات اهل بیت (ع) اصلی‌ترین دلیل برای گرایش این گروه می‌باشد.

۳-۲. دیدگاه دوم: تساوی

دیدگاه دوم آن است که رسول و نبی به یک معنا هستند. قائلین این دیدگاه عبارتند از:

الف) متقدمان: (صدر اسلام تا قرن هفتم)

ابن بابویه (م ۳۸۶ق) در باب عدد انبیاء و اوصیاء، آن‌ها را صد و بیست و چهار هزار نفر دانسته و می‌گوید:

«معتقدیم که همه‌ی آن‌ها حق را از نزد حق سبحانه آورده‌اند و اینکه قول ایشان قول خداست و امرشان امر خدا و اطاعتشان اطاعت خدا و مخالفت امرشان مخالفت امر خدا، و آنکه هیچ یک سخن نگفتند مگر از خدا و از وحی خدا. و اینکه سادات انبیاء پنج نفرند و آسیای نبوت بر ایشان گردید و آن‌ها صاحبان شریعت‌ها و اولوالعزم هستند: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) و محمد سید و افضل ایشان است» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۹۲).

از کلام ایشان دو نکته دال بر مرسل بودن هر دو دریافت می‌شود: یکی این که لفظ «نبی» اطلاق دارد و شامل همه‌ی کسانی که وحی را دریافت کرده‌اند و به مردم رسانده‌اند، می‌شود که اطاعت آن‌ها اطاعت خدا می‌باشد. بر این اساس همه انبیاء دارای رسالت هستند. دیگر این که با

این که در کتب حدیثی الفاظ «انبیاء» و «مرسلین» درباره سادات آن‌ها به کار برده شده اما ایشان فقط لفظ «انبیاء» را به کار برده است.

قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ق) نیز می‌گوید:

«در اصطلاح بین رسول و نبی فرقی نیست، آنچه بر اتفاق دو کلمه در معنا دلالت می‌کند این است که این دو در استعمال با هم هستند اثبات یکی، اثبات دیگری و نفی یکی نفی دیگری است حتی اگر یکی از آن دو ثابت شود و دیگری نفی شود، سخن متناقض است و این نشانه اثبات دو لفظ متفق در فایده است» (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۳).

اصفهان‌ی (م ۴۳۰ق) درباره نبوت می‌نویسد:

«نبوت منصب عبد است بین خدای تعالی و مخلصان از خلایق و به همین دلیل همیشه با رسالت و بعثت توصیف می‌شود و معنی نبی یعنی او صاحب نبأ و خبر است یعنی منبر عن الله عزوجل به آنچه از وحی که به او اختصاص داد. و کسی که نبوت را از «انباء» که همان «اخبار» است می‌داند، بین «نبوه» و «رسالت» فرقی نگذاشته است» (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳).

شریف مرتضی (م ۴۳۶ق) گوید:

«اگر نبی از ریشه‌ی «الانباء» و «الاخبار» یا از ریشه‌ی «النباهه» (زمین بلند و مرتفع) باشد، هر دو معنای نبی در رسول قرار دارد. اطلاق لفظ نبی، با همزه یا بدون آن، تنها مختص انسانی است که رسالت خدای متعال را بر عهده می‌گیرد» (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۳).

از کلام ایشان برداشت می‌شود که هر نبی، رسالت خدای متعال را برعهده دارد و هر رسولی دارای مقام و منزلت والا می‌باشد، بنابراین هر نبی رسول است و هر رسولی نیز نبی است.

مکی بن حموش (م ۴۳۷ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، جوینی (م ۴۷۸ق)، طبرسی (م ۵۴۸ق) و بدرالدین (م ۶۶۳ق) نیز همین نظر را ابراز نموده‌اند (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۴۹۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۴؛ جوینی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۴۴؛ بدرالدین، ۱۴۲۲ق، ص ۲۷۸).

ب) متأخران: (قرن هشتم تا دوازدهم)

علامه حلی (م ۷۲۶ق) در تعریف نبی گفته است:

«نبی دعوی رسالت از سوی خداوند برای مردم نموده است و خداوند برای اثبات راستگویی او معجزه آورده است» (علامه حلی، ۱۹۸۲م، ص ۱۳۹).

تفتازانی (م ۷۹۳ق) «نبی» و «رسول» را انسانی که خداوند آن‌ها را برانگیخت برای تبلیغ آنچه که به ایشان وحی کرده است (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵). تعبیر ایشان در دیدگاه اول، تقریر سوم بررسی شد. فاضل مقداد (م ۸۷۶ق) در بحث معرفت نبی آورده است:

«نبی انسانی است مأمور از جانب خداوند برای اصلاح معاش و معاد مردم، که به نحوه ایفای مأموریت خویش آگاه است و در این آگاهی از انسان‌های دیگری بی‌نیاز است» (فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ص ۲۳۹).

مؤیدی (م ۱۰۸۳ق) آنچه را که انسان از جانب خداوند برای رساندن به خلق بدون واسطه‌ی بشری به عهده می‌گیرد، حقیقت نبوت می‌داند و می‌گوید نزد اصحاب ما بین رسول و نبی فرقی نیست، و نیز معتقد است نبی باید در آن معنی ارسال باشد و صحیح نیست که رسولی به سوی خودش باشد، در این صورت فرقی بین او و دانشمندان امت زمان خودش نیست (مؤیدی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۱۰). قونوی (م ۱۱۹۵ق) نیز معتقد است رسول و نبی از جانب خداوند متعال فرستاده شده‌اند تا احکام خداوند را به مردم برسانند (قونوی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۵۱۸). ایشان هر دو واژه را مترادف دانسته است (قونوی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴).

ج) معاصران: (قرن سیزدهم و چهاردهم به بعد)

آلوسی (م ۱۲۷۰ق) ذیل آیه ۵۲ سوره حج هر دو واژه را از نظر قراردادی و حقیقت لغوی عام می‌داند زیرا هر دو واژه در قرآن بدون هیچ تفاوتی استعمال شده است و هر دو را مرسل دانسته که بین آن‌ها مقابله وجود دارد. بنابراین معانی که این مقابله و اختلاف معنا را برساند از دیدگاه ایشان درست است مانند:

۱- رسول مبعوث به شریعت جدید، نبی مبعوث برای بیان و شرح شریعت قبل،

۲- رسول دارای کتاب، نبی بدون کتاب (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۶۵).

حائری طهرانی (م ۱۳۴۰ق) گفته است نبی وظیفه دارد آنچه که از طاعت پروردگارش به او امر شده به امت خویش برساند (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۷، ص ۳۹). در سوره بقره در توضیح «نبیین» قول خداوند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا» را آورده که از این تعبیر دانسته می‌شود در اینجا نبی و

رسول را یکی گرفته است. ایشان نیز مانند گذشتگان تعابیر متفاوتی از آیات مورد بررسی دارد. آراء دیگر ایشان در دیدگاه اول؛ تقریر اول؛ قسمت سوم و تقریر چهارم بیان شد.

خسروانی (م ۱۳۸۶ق) رسول را مرسل و نبی را پیام‌رسان رفیع‌الشان می‌داند (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۴۱۶). همچنین ذیل آیه ۵۲ سوره مبارکه حج (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۹۵) دیدگاه طبرسی را بدون اظهار نظر شخصی بیان کرده، بنابراین استنباط می‌شود که همان دیدگاه را پذیرفته و رسول و نبی را یکی دانسته که به هر دو درجه عظیمه ارسال عطا شده است. مغنیه (م ۱۴۰۰ق) در تفسیر آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم رسول و نبی دارای یک معنا دانسته و اختلاف این دو واژه اعتباری می‌داند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۸۷) که در بخش مرسل و غیر مرسل مورد بررسی قرار گرفت.

شهید مطهری (م ۱۴۰۱ق) این مطلب را که بعضی از پیغمبران نبی باشند و بعضی رسول نمی‌پذیرد و می‌گوید هر پیغمبری نبی است و همه انبیاء رسول هم هستند ... و نیز معتقد است قرآن کلمه «نبی» را در مواردی به پیغمبران صاحب شریعت اطلاق کرده است؛ یعنی نبی و رسول، هم به پیغمبر صاحب شریعت گفته می‌شود و هم به پیغمبر غیر صاحب شریعت، و هر دو کلمه به هر دو اطلاق می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۴۴). ایشان وظیفه پیامبران صاحب شریعت و پیامبران بدون شریعت را دعوت و تبلیغ و ترویج می‌داند و رابطه بین این دو واژه را تساوی می‌داند و هر دو را مرسل دانسته و معتقد است به هر دو واژه صاحب شریعت و بدون شریعت اطلاق می‌شود و هر دو وظیفه‌شان دعوت، تبلیغ و ترویج است (مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۵۱).

طباطبایی (م ۱۴۰۲ق) ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره درباره آیه ۵۲ سوره حج می‌نویسد که خداوند در این آیه میان رسول و نبی را جمع کرده و هر دو را مرسل خوانده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۴۰) و نیز انبیاء را در تلقی وحی و تبلیغ رسالت به مردم معصوم می‌داند (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۲۸). ایشان نظراتی دیگر درباره این دو واژه دارد که در بخش «مرسل» و «مخبر» و «رویت و عدم رویت ملک» توضیح داده شد. امام خمینی (ره) (م ۱۴۱۱ق) نیز رسالت و نبوت را یکی دانسته و معتقد است:

«معنی «پیغمبری» که در پارسی «پیام بری» و در عربی «رسالت یا نبوت» است، عبارت از آن است که خداوند عالم یا توسط ملائکه یا بی واسطه کسی را برانگیزد برای تأسیس شریعت و احکام و قانون‌گذاری در بین مردم هر کسی چنین شد پیغمبر، یعنی پیام‌آور است چه ملائکه بر او نازل شود یا نشود» (خمینی، ۱۳۲۷ش، ص ۱۲۶).

حسینی همدانی (م ۱۴۱۵ق) در شرح آیه ۶۱ سوره مبارکه بقره می‌گوید نبی صفت مشبیه به معنی پیامبر که به طریق وحی یا الهام با پروردگار ارتباط داشته و ذکر این عنوان مشعر بعلیت است که سبب ارتکاب جنایت بر آنان همانا مقام تبلیغ و پیامبری آنان است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸). ایشان همه پیامبران بعد موسی را رسل معرفی می‌کند که برای تأیید دین موسی فرستاده شدند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳).

طنطاوی (م ۱۴۳۱ق) در شرح آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌نویسد:

«او رسول خدا به سوی همه مردم است در حالی که بشیر و نذیر است. و او نبی است که خداوند به او وحی کرد با شریعتی عام، کامل و باقی تا روز جزا» (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۵، ص ۳۹۱).

همچنین ذیل آیه ۴۵ سوره احزاب، نبی را مرسل دانسته و می‌نویسد:

«ای نبی کریم ما تو را به سوی مردم فرستادیم در حالی که شاهد هستی برای کسانی که ایمان آوردند و کفر ورزیدند، بعد از این که رسالت پروردگارت را به آنها رساندی با تبلیغ تام کامل» (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۲۲۲).

در آیات مورد بررسی، ایشان رسول را دارای شریعت جدید، مرسل و مأمور به ابلاغ دانسته و نبی را مبعوث برای تثبیت شریعت قبل، دارای مقام و منزلت عالی معرفی کرده است اما لفظ نبی را در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مرسل، مبلغ، دارنده شریعتی عام، کامل و باقی معنا می‌کند. صادقی تهرانی (م ۱۴۳۱ق) می‌گوید رسول حامل وحی است و نبی صاحب شأن و مقام در وحی رسالت است و هر دو مرسل هستند، مگر این که دو نبی بین رسل است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۸). آنچه دیدگاه ایشان را از دیگران متمایز می‌کند این است که نبی را دارای امتیاز و درجه عالی بین رسولان دانسته و معتقد است هر نبی‌ای رسول است ولی هر رسولی نبی نیست و هر دو را در مرسل بودن و داشتن رسالت مشترک می‌داند اگرچه در بعضی شئون قائل به تفاوت بین آنهاست.

سبحانی، قرآن پژوه معاصر نیز در وجه افتراق و اشتراک میان این دو واژه نبوت و رسالت را دو مفهوم متغایر می‌داند اما نسبت بین مفهوم نبی و مفهوم رسول خاص - یعنی انسان برانگیخته شده از جانب خدای سبحان - را نسبت تساوی می‌داند و معتقد است در مصداق و انطباق خارجی غالباً میان این دو تساوی برقرار است به معنی این که هر نبی (که به او وحی شده) رسول است یعنی وظیفه ابلاغ و ارشاد بر عهده او گذاشته شده است، همان گونه که هر رسولی (که رسالت را از جانب خدای سبحان بر عهده می‌گیرد) او نبی‌ای است که به او وحی می‌شود.

نیز معتقد است که انبیاء بدون رسالت خیلی کم و نادر است و از تعداد انگشتان هم تجاوز نمی‌کند و به طوری که معلوم است آن غیرعادی نادر ممکن نیست ملاکی برای تمایز و مقایسه شمرده شود، علاوه بر آن نبوت بدون رسالت مفهوم واضحی ندارد (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۶۹). تقریر دیگر ایشان در بخش «مرسل» و «غیر مرسل» مورد بررسی قرار گرفت. قرشی، قرآن پژوه معاصر نیز با توجه به آیات قرآن هر دو را مأمور به تبلیغ دانسته است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۷)

یکی از دلایل گرایش به این اندیشه جدا کردن معنای لغوی از معنای اصطلاحی است، که سبب بیان معنای متفاوت این واژگان با مصداق مساوی گردید. همچنین گسترش علوم مختلف از جمله: تفسیر، کلام و لغت همراه با مطرح شدن سؤال‌های جدید و نیز آگاهی‌ها و نیازها، زمینه تتبع بیشتر درباره این موضوع مهم و ضروری دین را فراهم نمود. علاوه بر این‌ها شاید بتوان علت دیگر را در جمع میان آیات مربوط به این واژگان و کشف رابطه معنایی و توجه به سیاق موضوعی این آیات دانست. همچنین می‌توان گفت تناقضات به وجود آمده در نظرات برخی از اندیشمندان اسلامی با طرح تقریرهای متفاوت، علت دیگر این گرایش است. به نظر نگارنده اصلی‌ترین دلیل، تناسب حداکثری این دیدگاه با آیات قرآن کریم است.

۳. تحلیل و نقد دیدگاه‌ها و تقریرها

۳-۱. تحلیل و بررسی دیدگاه اول: تغایر

کسانی که تغایر بین این دو واژه را پذیرفته‌اند چهار تقریر متفاوت از این دو دارند.

۳-۱-۱. تحلیل و نقد تقریر اول: تفاوت در داشتن مأموریت ابلاغ وحی

در این تقریر رسول را به معنای مرسل و نبی را به معنای: ۱- غیر مرسل، ۲- مخبر و ۳- عظیم الشأن گرفته‌اند.

۳-۱-۱-۳. نقد معنای اول: نبی = غیر مرسل

این معنا به دلایل زیر قابل پذیرش نیست:

- ۱- هدف اصلی بعثت انبیاء هدایت مردم است، بنابراین اگر برخی از آنان مرسل نباشند و وظیفه‌ای برای رساندن پیام الهی نداشته باشند با هدف بعثت منافات دارد.
- ۲- آیاتی که از دادن کتاب به نبی سخن می‌گوید با غیر مرسل بودن ایشان مطابقت ندارد.

- ۳- بشارت و انذار در حوزه رسالت و امور دینی است که در آیات ۲۱۳ بقره و ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب به انبیاء نسبت داده شده است.
- ۴- در سوره انعام آیه ۸۹ مسئله نبوت در مقابل کفر مطرح است که دال بر مرسل بودن نبی است.
- ۵- در سوره انفال آیه ۶۴ پیروی از نبی مطرح شده که مؤید مرسل بودن نبی است.
- ۶- نافرمانی‌های مردم در مقابل انبیاء به جهت تبلیغ که به قتل آنان می‌انجامید مانند آیه ۶۱ سوره بقره، دلیل دیگری بر ارسال نبی است.
- ۷- در سوره حج آیه ۵۲ کلمه «أرسلنا» برای رسول و نبی در نظر گرفته شده است که دال بر مرسل بودن نبی است.
- ۸- القائنات و کارشکنی‌های شیاطین (حج: ۵۲) و دشمنی‌های مجرمان (فرقان: ۳۱) در برنامه‌های انبیاء و رسل دلیلی دیگر بر مرسل بودن آنان است.
- ۹- آیاتی که عبارت «ما اوتی» در آن به کار برده شده مؤید این است که آنچه خداوند به نبی عطا کرده علاوه بر این که به وسیله ایشان به تنهایی قابل اکتساب نیست، مختص خود ایشان هم نمی‌باشد.
- ۱۰- در آیاتی از قرآن همان‌گونه که مردم به ایمان آوردن به رسول امر شده‌اند به ایمان آوردن به نبی نیز امر شده‌اند. مانند آیه: «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُتِرِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِن كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ» (مائده: ۸۱) و نیز (بقره: ۱۷۷ و ۱۳۶، آل عمران: ۸۴).
- ۱۱- قرآن کریم گاهی این دو واژه را برای همه پیامبران به کار برده است (بقره: ۸۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن رسول و نبی یکی است یا دارای یک مأموریت هستند.
- ۱۲- در دینی که دانشمندان آن در برابر دیگران مسئولیت دارند چگونه می‌توان پذیرفت که انبیاء الهی مسئولیت و وظیفه‌ای نداشته باشند.

۳-۱-۱-۲. نقد معنای دوم: نبی = مخبر

بیشتر لغت‌شناسان نبی را فعیل به معنی فاعل از «نبا» یعنی کسی که از جانب خداوند خبر می‌دهد، دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۲؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۰۴).

بر این اساس گروهی نبی را مخبر عن الله دانسته‌اند. این دسته با توجه به اختلاف معنای دو واژه آنها را معرفی کرده و وظیفه‌ی آنها را رساندن پیام الهی و خبردادن از خداوند دانسته‌اند و برخی مانند علامه طباطبایی سعی در بیان تفاوت بین مرسل و مخبر داشته و رسالت را مشتمل

بر اتمام حجّت دانسته که مخالفت با آن عذاب و هلاکت به دنبال دارد. اما به دلیل این که رسالت و خبر هر دو از جانب خداوند است و خداوند آن‌ها را به سوی خلق برای خبر دادن فرستاد و مخالفت با کسی که از جانب خداوند خبر آورده و بشیر و نذیر (ر.ک: بقره: ۲۱۳، احزاب: ۴۵-۴۶) است نیز عذاب به دنبال دارد، این نظر را نمی‌توان پذیرفت.

۳-۱-۱-۳. نقد معنای سوم: نبی = عظیم الشان

برخی دانشمندان لغت نبی را گرفته شده از «نبو» به معنای علو و برتری دانسته و نبی را کسی که دارای مقام عالی و منزلت رفیع است معرفی می‌کنند (ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۰۲۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۸۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۱۲).

برخی بر همین اساس نبی را معرفی می‌کنند اما با توجه به آیاتی که از اطاعت نبی، ایمان به نبی، ارسال ایشان، آزار دادن نبی توسط دشمنان، وظیفه تبشیر و انذار برای ایشان و... سخن می‌گویند نمی‌توان پذیرفت که آیات قصد بیان مقام عظیم را دارد، همان‌گونه که در سوره مریم «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا * وَ رَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» (مریم: ۵۶ و ۵۷) علاوه بر مقام نبوت برای ادريس، مقام والا را نیز برای ایشان ذکر می‌کند.

۳-۱-۲. تحلیل و نقد تقریر دوم: تفاوت در داشتن شریعت

در تقریر دوم رسول کسی است که دارای شریعت الهی است و نبی شریعت مستقلی ندارد. قرآن کریم کلمه‌ی نبی را در مواردی برای پیامبران دارای شریعت به کار برده، (مانند مریم: ۴۱، ۳۰، ۵۱، احزاب: ۴۵) و در مواردی هم کلمه‌ی رسول را برای پیامبران بدون شریعت به کار برده است (مانند بقره: ۸۷، حج: ۵۴؛ صافات: ۱۳۹، ۱۲۳؛ شعراء: ۱۷۸، ۱۶۲، ۱۴۳، ۱۲۵، ۱۶؛ مائده: ۷۰) بنابراین هر دو واژه هم به پیامبران صاحب شریعت و هم به پیامبران بدون شریعت اطلاق شده‌اند. در سوره شوری آیه ۱۳ نیز حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) را پیامبران دارای شریعت معرفی می‌کند، بر اساس این تقریر در میان پیام آوران الهی فقط پنج نفر رسول بوده‌اند که با آیات قرآن مطابقت ندارد.

۳-۱-۳. تحلیل و نقد تقریر سوم: تفاوت در داشتن کتاب

در این تقریر رسول کسی است که دارای کتاب آسمانی است. قائلین به این معنا، برای نبی تعاریف مختلفی بیان نموده‌اند: ۱- بدون کتاب، ۲- دارای معجزه و ۳- مخبر.

هر سه تقریر که حاکی از بدون بودن کتاب نبی است با آیاتی از قرآن که انزال کتاب و دادن کتاب به نبیین را مطرح می‌کند، مطابقت ندارد (مانند بقره: ۲۱۳، آل عمران: ۸۱)، و نیز آیاتی که از دادن کتاب، حکم و نبوت با هم سخن می‌گویند (مانند آل عمران: ۷۹، انعام: ۸۹). علاوه بر آن پیامبری مانند داود که از نبیین شمرده شده و زبور به ایشان اعطا شده (نساء: ۱۶۳؛ اسراء: ۵۵) دلیل دیگر بر این مدعاست.

۳-۱-۴. تحلیل و نقد تقریر چهارم: تفاوت در رؤیت ملک

در این تقریر رسول کسی است که فرشته وحی را در بیداری می‌بیند ولی نبی فقط در خواب آن‌ها را می‌بیند. از روایات متعددی که در این باب آمده استنباط می‌شود منظور از این‌گونه روایات رؤیاهای صادقه پیامبران قبل از رسیدن به مقام نبوت است (ر.ک: کلینی، ج ۱، ص ۴۳۰) علاوه بر آن آیاتی از قرآن از اشخاصی سخن می‌گویند که ملائکه را در بیداری دیدند و با او سخن گفتند در حالی که رسول نبودند (مانند آل عمران: ۳۷).

۳-۲. تحلیل و بررسی دیدگاه دوم: تساوی

از مقامات، کارکردها و ویژگی‌هایی که در قرآن کریم برای رسول و نبی به کار رفته می‌توان نتیجه گرفت که این دو واژه با وجود تفاوت در مفهوم، در مصداق تساوی بر آن‌ها حاکم است به‌عنوان مثال:

- مقام تبشیر و انذار: رسول (نساء: ۱۶۵)، نبی (بقره: ۲۱۳)
- شاهد بودن: رسول (مزمّل: ۱۵)، نبی (احزاب: ۴۵)
- ارسال: رسول (مومنون: ۳۲)، نبی (زخرف: ۶)
- ایمان به خدا، ملائکه، کتب و رسل: رسول (بقره: ۲۸۵)، نبی (بقره: ۲۸۵)
- انزال کتاب: رسول (حدید: ۲۵)، نبی (بقره: ۲۱۳)
- بعث: رسول (یونس: ۷۴)، نبی (بقره: ۲۱۳)
- تبعیت: رسول (بقره: ۱۴۳)، نبی (انفال: ۶۴)
- جعل رسالت: (انعام: ۱۲۴) و جعل نبوت: (حدید: ۲۶)
- داوری با کتاب: رسول (نور: ۴۸)، نبی (مائده: ۴۶)
- مصدق بودن: رسول (صف: ۶)، نبی (آل عمران: ۳۹)

دلیل دیگر بر این مدعا عکس العمل مردم در مقابل رسول و نبی است که در ذیل آیاتی چند از قرآن کریم آمده است. به‌عنوان نمونه:

- قتل: رسول (بقره: ۸۷)، نبی (بقره: ۶۱)
- استهزاء: رسول (انعام: ۱۰)، نبی (زخرف: ۷)
- آزار: رسول و نبی (توبه: ۶۱)
- داشتن دشمن: رسول (بقره: ۹۸)، نبی (انعام: ۱۱۲)

نتیجه‌گیری

با بررسی مطالب ارائه شده در این پژوهش می‌توان مشاهده نمود که:

در قرون اولیه رویکرد اندیشمندان مسلمان به آیات، رویکردی سنتی باقی مانده و از تعبیر موجز و خلاصه فراتر نرفته است اما با گسترش تفسیر و نیز بعد زمانی احتمال خطا یا فراموشی از سوی مفسر در ارائه معنای دو واژه رسول و نبی بدیهی می‌نماید، برای نمونه وقتی که مفسر موضوعی را در یک سوره و در یک دوره‌ی زمانی مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس همان موضوع را در سوره‌ای دیگر و دوره‌ی زمانی دیگر بررسی می‌کند به دلیل این که نگارش او مشمول زمان شده است، تفاوت در دیدگاه‌های او به دلیل خطا یا فراموشی رخ می‌نماید. اما تعبیر متفاوت در تفسیر سوره‌هایی که با فاصله کم از یکدیگر قرار گرفته‌اند، احتمال عدول از نظر قبل را دارد. نیز متکلم اگر در دو دوره‌ی زمانی یک موضوع را بررسی کند و دارای تعبیری متغایر باشد احتمال بروز همان مسائل درباره‌ی او می‌رود.

با وجود همه‌ی اختلافات و تنوع تعبیر این‌ها همیشه نافی یکدیگر نیستند بلکه در مواردی مکمل یکدیگرند و با یکدیگر قابل جمع‌اند اما گاهی بعضی تقریرها با یکدیگر مغایرت دارند که بیان آن گذشت. مفسران و متکلمان در بررسی این دو واژه به چند گروه قابل دسته‌بندی هستند:

۱- کسانی که بر یک تقریر تصریح دارند. مانند: ابن عباس، مجاهد، ابن ابی حاتم، ابن عطیه، طبرانی، صدوق، شریف مرتضی، ثعلبی، قاضی عبدالجبار، قرطبی، فاضل مقداد، حویزی و امام خمینی(ره).

۲- کسانی که متمایل به یک تقریر هستند. مانند: ابن ابی شریف، شیخ مفید و آلوسی.

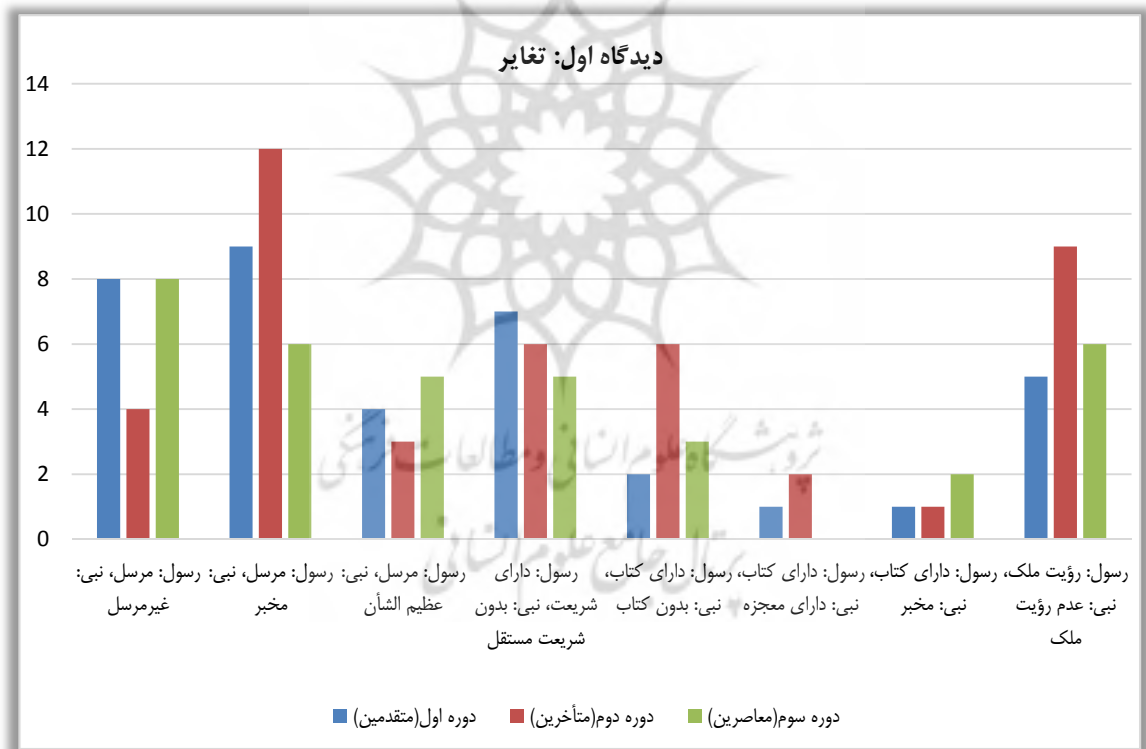
۳- کسانی که دارای تقریرهای متفاوت هستند. مانند: طبری، زمخشری، طبرسی، فخررازی، ابن عربی، بیضاوی، ابن همام، شربینی، فیاض لاهیجی، سید قطب، مغنیه، سبحانی.

۴- کسانی که فقط آراء دیگران را نقل کرده‌اند. مانند: ماوردی.

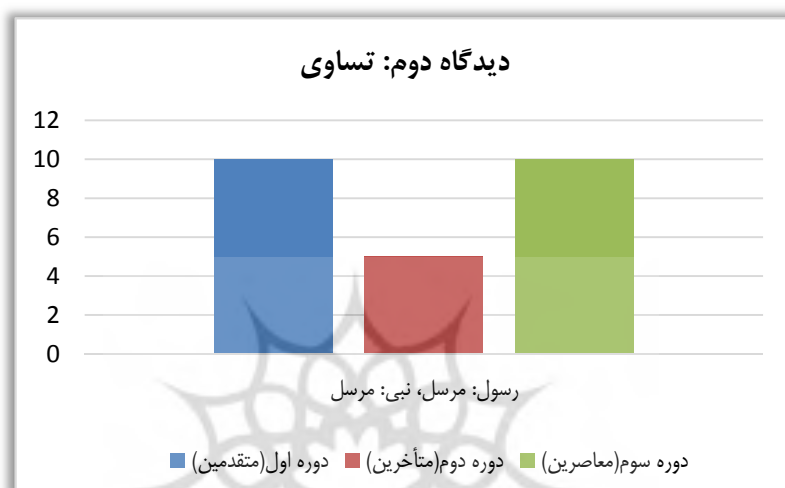
بر اساس دستاورد این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت میان دو واژه‌ی «رسول» و «نبی» منحصر در معنای لغوی این دو واژه است.

از آن جایی که تغایر لفظ همیشه حاکی از تفاوت مدلول نیست با استناد به کاربردهای قرآنی این واژگان، روشن گردید که میان رسول و نبی از جهت ارسال و عدم ارسال، داشتن و نداشتن شریعت، داشتن و نداشتن معجزه، ابلاغ و عدم ابلاغ و داشتن و نداشتن کتاب تفاوتی وجود ندارد. به نظر نگارنده این واژگان در مفهوم متفاوت اما در مصداق به دلیل تناسب حداکثری با آیات مرتبط، مساوی هستند.

در ادامه برای وضوح بیشتر، فراوانیِ تقریرهای متفاوت مفسران و متکلمان در قالب نمودار رسم گردیده است. در نمودار زیر دیدگاه تغایر که شامل چهار تقریر می‌باشد ارائه گردیده است. ستون‌های نمودار نشان دهنده‌ی فراوانی نظرات متفاوت مفسران و متکلمان مورد بررسی در سه دوره‌ی متقدمان، متأخران و معاصران در هر یک از چهار تقریر می‌باشد.



در نمودار ذیل دیدگاه تساوی که شامل یک تقریر می‌باشد ارائه گردیده است. ستون‌های نمودار نشان دهنده‌ی فراوانی نظرات مفسران و متکلمان مورد بررسی در سه دوره‌ی متقدمان، متأخران و معاصران در این تقریر می‌باشد.



کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن ابی جامع، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم: دارالقرآن الکریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن ابی شریف، مقدسی، (۱۴۲۵ق)، *المسامره شرح المسایره فی العقائد المنجیه فی الاخره*، بیروت: المکتبه العصریه.

ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، (۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، قم: المؤتمر العالی للشیخ المفید.

ابن بدرالدین، حسین، (۱۴۲۲ق)، *ینایع النصیحه فی العقائد الصحیحه*، صنعاء: مکتبه البدر.

- ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن عباس، عبدالله، (۱۴۱۲ق)، *تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس*، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق)، *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عربی، محیی‌الدین، (۱۴۱۴ق)، *التوحید العقیده*، دمشق: دارالکتب العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم المقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، (۱۹۸۳م)، *ار شاد العقل ال سلیم الی مزایا القرآن الکریم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابونعیم اصفهانی، (۱۴۱۲ق)، *دلائل النبوه*، بیروت: دار الفوائس.
- امین، نصرت بیگم، (بی‌تا)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی‌جا: بی‌نا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه.
- بروجردی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر جامع*، تهران: کتابخانه صدر.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، *تفه سیر البغوی الی سمی معالم التنزیل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، قم: الشریف الرضی.
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جاحظ، (۲۰۰۲م)، *رسائل الجاحظ*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جلالیان، حبیب‌الله، (۱۳۷۸ش)، *تایخ تفسیر قرآن کریم*، تهران: اسوه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، *الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- جوینی، عبدالملک، (۱۴۱۶ق)، *الإرشاد الی قواطع الأدله فی أول الاعتقاد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حائری طهرانی، علی، (۱۳۳۸ش)، *مقتنیات الدرر*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.

- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان.
- خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، مصحح: شاهین، عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق)، *تفسیر خسروی*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد، (۱۴۲۵ق)، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خمینی، روح الله، (بی تا)، *کشف الاسرار*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دینوری، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الکریم الشہیر بتفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأتوایل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۲ق)، *الإلهیات علی هدی کتاب و السنه و العقل*، قم: مرکز العالمی للداراسات الاسلامیه.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۱ق)، *مفاهیم القرآن*، قم: مؤسسه الامام الصادق.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۵ق)، *الفکر الخالد فی بیان العقائد*، قم: مؤسسه الامام الصادق.
- سلطان علی شاه، محمد، (۱۴۰۸ق)، *بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
- سید قطب، (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۶ق)، *البهجه المرضیه*، قم: اسماعیلیان.
- شاه عبدالعظیمی، حسن، (۱۳۶۳ق)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: میقات.
- شبر، عبدالله، (۱۴۰۷ق)، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، کویت: شرکه مکتبه الالفین.
- شبر، عبدالله، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- شحرور، محمد، (بی تا)، *کتاب و القرآن قرائه معاصره*، دمشق: الأهالی للطباعه و النشر و التوزیع.
- شریف مرتضی، (۱۴۱۱ق)، *الذخیره فی علم الکلام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغه*، بیروت: عالم الکتب.

- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی. صبحی منصور، احمد، (۲۰۰۵م)، *القرآن و کفی مصدرا للتشريع الاسلامی*، نسخه الکترونیکی مندرج در سایت اهل القرآن.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۲ش)، *شرح اصول الکافی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اردن: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله؛ رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: حوزه علمیه قم.
- طبری، حسن بن علی، (۱۳۷۶ش)، *تحفه الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار*، تهران: میراث مکتوب.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طرابیشی، جورج، (۲۰۱۵م)، *من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث*، بیروت: دارالساقی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه المر تظویه.
- طنطاوی، ابن جوهری، (۱۴۲۵ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، مصحح: شاهین، محمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طنطاوی، محمدسید، (۱۹۹۷م)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة المصر.
- طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۶ق)، *الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد*، بیروت: دارالأضواء.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- عارفی، محمد اسحاق، (۱۳۸۶ش)، «برخی از شبهات درون دینی خاتمیت»، *الهیات و حقوق*، شماره ۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۶۵ش)، *الباب الحادی العشر*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۹۸۲م)، *نهج الحق و کشف الصدق*، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
- فاضل مقداد، (۱۴۲۲ق)، *اللوامع الإلهیه فی المباحث الکلامیه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، قاهره: هیئته المصریة العامه للکتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: مؤسسه دارالهجره.

- فیاض لاهیجی، (۱۳۷۲ش)، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، تهران: انتشارات الزهراء.
- فیاض لاهیجی، (۱۳۸۳ش)، گوهر مراد، تهران: نشر سایه.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۳۷۷ش)، علم الیقین فی اصول الدین، قم: انتشارات بیدار.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تصحیح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۸ق)، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
- قاضی عبدالجبار، (۱۴۲۲ق)، شرح الاصول الخمسه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قاضی عیاض، (۱۴۰۷ق)، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، عمان: دارالفیحاء.
- قرشی بنابی، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمدبن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: بی نا.
- قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۲۲ق)، حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیه ابن التمجید، مصحح: عمر، عبدالله محمود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قیصری، داود، (۱۳۸۱ش)، رسائل قیصری، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کاشانی، محمدبن مرتضی، (۱۴۱۰ق)، تفسیر المعین، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- کاشانی، ملافتح الله، (بی تا)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- کاشفی، حسین بن علی، (بی تا)، تفسیر حسینی (مواهب علیّه)، سراوان: کتابفروشی نور.
- ماتریدی، محمدبن محمد، (۱۴۲۶ق)، تأویلات اهل السنه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- محسنی رکاوندی، هادی (۱۳۸۶ش)، «بررسی نوع خطاب‌های خداوند به انبیاء»، بلاغ مبین، شماره ۱۱ و ۱۲.
- محمود، عبدالحلیم (۱۳۹۵ق)، «النبوه دراسة من القرآن الکریم»، البحوث الاسلامیه، العدد ۲.
- مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دارالمعرفه.

- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷ش)، *خاتمیت*، تهران: صدرا.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹)، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دارالکتب الاسلامی.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق)، *اوائیل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکی بن حموش، (۱۴۲۹ق)، *الهدایه الی بلوغ النهایه*، شارجه: جامعه الشارقه.
- مهائمی، علی بن احمد، (۱۴۰۳ق)، *تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان*، بیروت: عالم الکتب.
- مؤیدی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *الإصباح علی المصباح فی معرفه الملک الفتاح*، صنعاء: مؤسسه الامام زیدبن علی.
- نسفی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل*، بیروت: دارالنفائس.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- وصفی، محمدرضا؛ شفیعی، سید روح الله (۱۳۹۲ش)، «نبی و رسول در کتاب مقدس و قرآن»، *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۸.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶ق)، *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*، قم: بوستان کتاب.
- Rubin, uri, (2008), Prophets and Prophethood, *Encyclopaedia of the Qur'an*, Andrew Rippin.